

طلاب علم در نجف وقف کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۷، ج ۲۱، ص ۷۹-۸۰)؛ (۴) هدایة المسترشدين در اثبات وجوب نماز جمعه.

تبریزی همچنین بر کتابهای طهارت و صلاة قواعد الاحکام علامه حلی حاشیه نوشته و کتاب حج او را شرح کرده است (همو، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۲، ص ۵۶۰). مثنویهای هزاربیتی درباره فتح خیبر و خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا نیز از سروده های اوست (همانجا) که نمونه ای از آنها را تربیت آورده است (ص ۱۹۸).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعة، جزء ۲، الکرام البررة، مشهد ۱۴۰۴؛ محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان، تهران ۱۳۱۴؛ محمدعلی حبیب آبادی، مکرم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، ج ۲، اصفهان ۱۳۲۲؛ عبدالنبی بن محمدنقی قزوینی، تجميع امل الآمل، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۷؛ عبدالرزاق بن نجفعلی مفتون دنبلی، تجربة الأحرار و تسلیة الأبرار، چاپ حسن قاضی طباطبائی، تبریز ۱۳۲۹-۱۳۵۰ش.

/ سیدابراهیم سیدعلوی /

تبریزی، محمدزمان بن کلبعلی اصفهانی، فقیه و عالم شیعی قرن دوازدهم. سال تولد وی دانسته نیست. بنابه گزارش محمدزمان (ص ۲۹۰)، جد او اهل تبریز و از علمایی بوده که شاه عباس دوم او را برای مصاحبت به اردوی خویش فرا می خوانده است. تبریزی در مدرسه شیخ لطف الله اصفهان (مدرسه خواجه ملک) - که از آن اثری نمانده است - و نزد علمای بزرگی چون ملا محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی خویزی، محمد صالح خاتون آبادی و آقا حسین خوانساری علم آموخت (تبریزی، مقدمه جعفریان، ص ۱۴-۱۶؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۴۲؛ همانی، ج ۱، ص ۱۰۸). تبریزی از جانب سلطان حسین صفوی (حکمران ۱۱۰۵-۱۱۳۷) تولیت و نظارت مدرسه شیخ لطف الله را به عهده داشت (تبریزی، ص ۲۴، ۲۹۱؛ خوانساری، ج ۳، ص ۳۵۰). وفات وی را در ۱۱۳۱ یا ۱۱۳۷ دانسته اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، همانجا؛ بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ستون ۳۱۶).

اثر مهم تبریزی فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد است که احتمالاً نگارش آن را در ۱۱۲۲ به انجام رسانده است (- تبریزی؛ خوانساری، همانجاها). فرائد الفوائد مشتمل بر دو باب و یک خاتمه است. هر باب شش فصل دارد. باب اول شامل بحث لغوی درباره واژه مسجد، اشاره به آیات و احادیث در اهمیت مساجد، چگونگی بنای مسجد، آداب و ادعیه ورود به مسجد و عبادت در آن است. تبریزی در ضمن برشمردن

تبریزی، محمدرضایین عبدالمطلب، فقیه، خطیب، خوش نویس و شاعر شیعی قرن دوازدهم. تاریخ ولادت او معلوم نیست. تحصیلات خود را ابتدا نزد شیخ مهدی قُتونی و آقاباقر مازندرانی، و بعد نزد وحید بهبهانی به انجام رساند (تربیت، ص ۱۹۸) و از سید عبدالعزیزین احمد نجفی و شرف الدین محمد مکی عاملی اجازه روایت گرفت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۷). وی مدتی در تبریز، مشهد و شیراز به وعظ و خطابه و اقامه نماز جماعت پرداخت. در شیراز به کریمخان زند تقرب جست و از جانب او به سمت «قاضی عسکر» منصوب شد. در ۱۱۹۳، با درگذشت کریمخان زند و افول سلسله زندیه، به عتبات عراق سفر کرد و در آنجا مورد احترام سلیمان پاشا والی بغداد قرار گرفت (مفتون دنبلی، بخش ۱، ص ۱۸۹-۱۹۲؛ تربیت، همانجا)، پس از چندی به کردستان رفت و به خسروخان پیوست، سپس به قره باغ و بعد به قزوین رفت. او سرانجام در همان شهر یا در تهران به سال ۱۲۰۸ درگذشت (مفتون دنبلی، بخش ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰، ۱۹۳؛ تربیت، همانجا؛ حبیب آبادی، ج ۲، ص ۳۴۵).

تبریزی حافظه و هوش و ذکاوت زیادی داشت. انواع خط را بخوبی می نوشت و در خطابه توانا بود (مفتون دنبلی، بخش ۱، ص ۱۷۹-۱۸۰) و مدتی از عمر خویش را در انزوا به سربرد (همان، بخش ۱، ص ۱۸۲). وی دو برادر بزرگتر از خود به نامهای محمدابراهیم و محمد اسماعیل و نیز فرزندی به نام صدرالدین داشته که هر سه اهل علم بوده اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۲، ص ۵۶۰-۵۶۱، ۶۶۸). صدرالدین ابتدا نزد پدرش به تحصیل علم پرداخته و به فارسی و عربی شعر می سروده است (حبیب آبادی، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶).

تبریزی کتابهایی در فقه و حدیث تألیف کرده است، از جمله: ۱) الاشارات فی الفقه که فتاوی اوست و به سبک تبصره علامه حلی نوشته است. این کتاب را به سفارش استادش شیخ مهدی قُتونی تألیف کرد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۷۷، ج ۱۴، ص ۲۰۱)؛ ۲) الشفاء فی اخبار آل المصطفی یا الشافی الجامع بین البحار والوفای؛ آقابزرگ طهرانی این کتاب را مجموعه روایاتی بر مبنای روش بحارالانوار و قزوینی آن را خلاصه دو کتاب بحارالانوار والوفای با برطرف کردن اشکالات آنها دانسته است. تبریزی این کتاب را در ۱۱۷۸ به پایان رسانده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۷، ج ۱۴، ص ۱۹۹؛ قزوینی، ص ۱۵۴)؛ ۳) المصابیح فی شرح المفاتیح، شرح مفاتیح الشرایع فیض کاشانی در فقه است. او در ۲۲ محرم ۱۱۸۲ در بازگشت از مشهد، از راه یزد به عراق سفر کرده و در یزد تقریظ شیخ عبدالنبی بن محمدنقی قزوینی را بر کتاب خود گرفته است. همچنین نسخه ای از این کتاب را در ۱۲۰۱ برای

محرمات و مکروهاتی که نباید به مسجد وارد شود، بحث تنباکو را مطرح می‌سازد که نشان می‌دهد دامنه مجادلات فقهی در این باب، که از ابتدای عصر صفوی مطرح شده بود، همچنان ادامه داشته است (ص ۵۰؛ افشار، ص ۱۷۶). دیگر مطالب این باب اینهاست: تاریخچه بنای مساجد و معرفی اجمالی مهمترین مساجد همچون مسجدالحرام و مسجد مدینه و کوفه، اشاره به انحراف قبله برخی شهرها و نیز مساجد از جمله مقدار انحراف قبله مسجدجامع قدیم و مسجد جدید عباسی در اصفهان و مسجدجامع تبریز (ص ۷۳، ۷۶). باب دوم شامل بحث لغوی درباره واژه مدرسه، ذکر آداب تعلیم و تربیت، تاریخچه بنای مدارس بویژه در اصفهان، اشاره به امور مالی و نحوه اداره مدارس است (ص ۲۸۰-۲۹۹). بدرغم اینکه دوره صفوی عصر رشد و گسترش تحصیلات علمی و نهضت مدرسه‌سازی در اصفهان و دیگر شهرهای مهم ایران بوده است، مؤلف چندان گزارش جامعی در این باب به دست نمی‌دهد (همان، مقدمه جعفریان، ص ۱۹). در فصل ششم به ذکر نام تربیت‌یافتگان مدرسه شیخ‌لطف‌الله می‌پردازد و نیز نام دانشمندان امامیه، همچون آقا حسین خوانساری و شمس‌الدین محمد گیلانی (ملا شمس) صاحب حاشیه بر شرح حکمة العین و آقا محمدباقر خاتون‌آبادی، را ذکر می‌کند. تبریزی این مدرسه را نزد شیعیان، هم‌شان نظامیه نزد اهل سنت می‌داند (ص ۲۹۵-۲۹۶؛ برای آگاهی بیشتر به خوانساری، ج ۳، ص ۳۵۰-۳۵۱). خاتمه کتاب، درباره آداب زیارت و احکام بیع و کنایس و صومعه‌ها و دیگر مسائل است. تبریزی بدرغم گرایش به زهد و ریاضت، مشوق گوشه‌نشینی نبوده و به صوفیان بازاری تاخته و در وصف احوال شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی بر پابندی وی به شریعت تأکید ورزیده است.

فرائدالفوائد به لحاظ اشتغال بر اطلاعاتی درباره مساجد و مدارس عصر صفوی و همچنین روشهای تعلیم و تربیت - با توجه به محدود بودن منابع در این زمینه - اهمیتی ویژه دارد. تبریزی برای تألیف این کتاب به منابع متعددی مراجعه، و نام آنها را در جای جای اثر خویش ذکر کرده است (به افشار، ص ۱۷۴). برخی از نقل قولهای وی برگرفته از بحارالانوار است (تبریزی، مقدمه جعفریان، ص ۱۴). بعدها فرائدالفوائد در دسترس میرزا محمدباقر خوانساری بوده، و او بنا به نوشته خود در روضات‌الجنت (ج ۳، ص ۳۵۲)، در شرح حال برخی از علما از این اثر بهره جسته است (نیز به آقابزرگ‌طهرانی، ۱۳۳۷ش، ص ۱۸۳). آقابزرگ‌طهرانی نیز از فرائدالفوائد به نقل از خوانساری سخن گفته و گویا خود وی به آن دسترسی نداشته

است (به ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۳۷۲ش، ص ۲۹۲، پانویس). جلال‌الدین همایی در ضمن معرفی سردابه‌ای که در پشت مسجد شیخ‌لطف‌الله و در جنب مدرسه خواجه ملک بوده و به مقبره ابن‌سینا شهرت داشته است، می‌نویسد که سالها در پی فرائدالفوائد بوده اما آن را نیافته است (ج ۱، ص ۱۰۸ و پانویس). ظاهراً وی نیز از طریق روضات‌الجنت با نام این کتاب آشنا شده است. ایرج افشار نسخه‌ای از این اثر را در فهرست پرچ کتابخانه دولتی آلمان (کتابخانه پادشاهی برلین) یافته و در ۱۳۵۳ش آن را در عامری‌نامه (ص ۱۷۳-۱۸۳) معرفی کرده است. فرائدالفوائد در ۱۲۷۳ش در تهران بر پایه ریزفلم همین نسخه با مقدمه و تصحیح رسول جعفریان به چاپ رسیده است. آثار دیگر تبریزی - که وی در فرائدالفوائد نیز به برخی از آنها اشاره کرده - عبارت است از: شرح زبدة‌الاصول؛ کتاب البجته، به سبک کشکول. نام این اثر وجه و جسته نیز ضبط شده است (به تبریزی، ص ۷۷؛ خوانساری، ج ۳، ص ۳۵۰؛ بغدادی، هدیه‌العارفین، ج ۲، ستون ۳۱۶)؛ رساله فارسی المشعار فی‌الاسعار که آن را در ۱۱۲۷، سال قحطی معروف اصفهان، برای تعیین نرخ اجناس نوشته است؛ تعلیقات اصول کافی؛ ترجمه خلاصه الاذکار؛ حواشی بر تهذیب‌الاحکام (بغدادی، ایضاح‌المکنون، ج ۱، ستون ۳۶۰؛ همو، هدیه‌العارفین، همانجا؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۳۰۰، ج ۱۶، ص ۱۴۲، ج ۲۱، ص ۱۹؛ تبریزی، مقدمه جعفریان، ص ۱۷-۱۸).

منابع: محمدحسن آقابزرگ‌طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳ هـ، طبقات اعلام‌الشیعة: الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، چاپ علی‌نقی منزوی، تهران ۱۳۷۲ش؛ همو، مصفی‌العقال فی مصفی علم‌الرجال، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۳۷ش؛ ایرج افشار، «درباره فرائدالفوائد در احوال مدارس و مساجد»، در عامری‌نامه: مشتمل بر هجده مقاله تحقیقی و تاریخی، تهران: بنما، ۱۳۵۳ش؛ اسماعیل بغدادی، ایضاح‌المکنون، ج ۱، در حاجی‌خلیفه، ج ۳؛ همو، هدیه‌العارفین، ج ۲، در حاجی‌خلیفه، ج ۶؛ محمدزمان کلعلی تبریزی، فرائدالفوائد در احوال مدارس و مساجد، چاپ رسول جعفریان، تهران [۱۳۷۴ش]؛ خوانساری؛ جلال‌الدین همایی، مقالات ادبی: «رابطه ابن‌سینا با اصفهان»، ج ۱، تهران ۱۳۶۹ش.

/ لایلا هوشنگی /

تبریزی، مظفر بن ابی‌الخیر (یا ابی‌محمد)، امین‌الدین ابوسعید واران، فقیه و اصولی شافعی در قرن هفتم. در روستای واران تبریز به دنیا آمد (یاقوت حموی، ج ۵، ص ۳۴۷). در برخی منابع زادگاه او به اشتباه واران ضبط شده است (به ابن‌قاضی